

Noor Asharaf

Assistant Professor (Guest Faculty)

Dept. of Persian, MMHAPU, PATNA

Email: ashrafjnu@gmail.com

E-Content

Sem-1, Paper code: 102

Persian (M A)

Topic: Tarikh-e Sistan (Book)

تاریخ سیستان، کتابی به زبان فارسی درباره رویداد های سیستان است. مؤلف آن معلوم نیست، به احتمال قوی در فاصله سده های پنجم تا هفتم نگارش یافته است. شرح وقایع کتاب «تاریخ سیستان» تا سال 725 هجری خاتمه می یابد و متأسفانه مؤلف یا مؤلفان آن ناشناخته اند، تنها از شواهد امر این طور پیداست که این تاریخ را دو یا سه نفر به نوبت نوشته اند. مصحح کتاب با استفاده از کتاب «احیاء الملوک» تألیف شاه حسین بن ملک غیاث الدین محمد که در اوایل قرن یازدهم هجری (سال 1028) تألیف گردیده و این کتاب جدا از ارزش تاریخی، از نظر زبان و ادبیات فارسی اهمیت بسیار زیادی دارد.

از این کتاب تنها یک نسخه خطی به دست آمده است که متعلق است به قبل از سال ۸۶۴ هجری قمری که خودش از روی نسخه قدیمی تری نوشته شده است. این مجموعه با کوشش محمد تقی بهار نخستین بار در خرداد ۱۳۱۴ با عنوان «تاریخ سیستان» به چاپ رسید. در هر صفحه مطلبی تازه و خبری نادر و نامی بی سابقه دیده می شود که آن همه را هر یک به جای خود در حواشی باز نمودیم، تا داد این کتاب عزیز که در شرف انقراض و بخت ایرانیان و دوستاران زبان پارسی آن را صیانت کرده است تا حدی داده شود.

در تدوین کتاب از مآخذ قدیمی و حتی مآخذ پهلوی استفاده شده است. مثلاً در موارد جغرافیائی از کتاب «عجائب البلدان» یا «عجائب البر و البحر» تألیف ابوالمؤید بلخی (اوایل قرن چهارم هجری) استفاده شده است. در مورد شیوه تحریر کتاب می توان گفت که طرز و شیوه تحریر آن به سبک کتب قدیمی فارسی نظیر «تاریخ بلعمی»، «تاریخ بیهقی» و «تاریخ گردیزی» شباهت دارد و حتی ترکیبات و لغات و اصطلاحاتی که در آن بکار رفته است، قدمت آن را به پیش از این کتب می رساند. مؤلف یا مؤلفان کتاب در شیوه نگارش سادگی و ایجاز را بکار برده اند و بیشتر کلمات به زبان فارسی است. از نکات دیگر کتاب این است که شرح نخستین شاعر پارسی گویی را نقل کرده و ظاهراً این شرح مفصل ترین و قدیمی ترین اشاره ایست که راجع به آغاز شعر و ادب پارسی در کتب تاریخ آمده است. این شعر را که محمد بن وصیف در مدح یعقوب لیث صفاری پس از فتح هرات به سال 253 هجری سروده، «پارسی» نامیده است و از شاعران پارسی گوی دیگری مثل بسام کورد و محمد بن مخلص یا مخلص نام می برد. نیز در منطقه سیستان حضور داشتند مثل سپاهیان خلیفه عباسی، عیاران و مطوعه ولی آنچه معلوم است هدف اکثر آنها حفظ وضع موجود بود در حالیکه خوارج دعوی استقلال داشتند و ادعا داشتند سیاست عادلانه تری نسبت به حکام جابر و ظالم اموی و عباسی در پیش گیرند.

سرزمین سیستان از مناطق باستانی ایران است که تا قبل از قرن دوم میلادی و ورود «سکها» در زمان اشکانیان به این ناحیه، با نام زرننگ یا زرنج خوانده می شد که در کتیبه بیستون داریوش نیز به همین نام از آن ولایت سخن رفته است. بعد از زرننگ، «بست» مهمترین شهر سیستان بود که تجارت با هند از این ناحیه صورت می گرفت. در هر نقطه یی از این سرزمین خاطره یی از پهلوانان آن وجود داشت و این ولایت زادبوم کیانیان بود. «تاریخ سیستان» با توصیفات که دارد تصویری کلی از اوضاع و زندگی مردم و اخلاق و آداب پهلوانی رایج در این منطقه را به خوانندگان خود عرضه می کند.

«تاریخ سیستان» همچنین یکی از منابع مهم برای بررسی تاریخ سلسله صفاریان محسوب می‌شود زیرا مؤلف آنقدر مسائل تازه و عمده و مهم در باب این خاندان آورده که آن را از سایر کتب تاریخی که اطلاعاتی راجع به این دودمان ارائه می‌دهند، متمایز ساخته است.

وی نسب یعقوب را به دودمان ساسانی می‌رساند و برای وی لقب «ملک الدنيا صاحب القرآن» را آورده است. وی به تفصیل از اقدامات وی و چگونگی به قدرت رسیدن صحبت می‌کند. نکته جالب توجه اینکه بحث خوارج نیز در دوره یا یعقوب پیش از آن بیشترین تفصیل را دارد و پس از یعقوب پیش از آن بیشترین تفصیل را دارد و پس از یعقوب در زمان عمرو جانشینانش دیگر صحبت زیادی از خوارج مطرح نمی‌شود و ظاهراً این فرقه با تشکیل دولت صفاری در جامعه مستحیل می‌شوند.